چهارشنبه ۲۵ مهر ۱۴۰۳
شماره ۴۲۵۴
FARHIKHTEGANDAILY.COM
FARHIKHTEGANONLINE

حضور سردار قاآنی در مراسم تشییع شهید نیلفروشان موجب رسوایی دستگاه امنیتی - رسانه‌ای غرب شد

کابوس بی‌بی اینجاست

علی مزروعی
خبرنگار گروه نقد روز

از آنجایی که مدیران شبه‌رسانه‌ها یا همان مراکز عملیات روانی همچون صاحبان املاک نجومی در سامانه مؤدیان مالیاتی ثبت‌نام نکرده‌اند به همین دلیل نیز بدون پرداخت مالیات هر روز یک حرف رایگان می‌زنند. یک روز خبر از فوت همسر رهبر انقلاب می‌دهند، یک روز وزیرخارجه را در سوریه ترور می‌کنند و روز دیگر هم فرمانده سپاه قدس را. وقتی هم که همچون دیروزی حضور با طمأنینه سردار قاآنی در انظار عمومی دروغ‌شان را رو می‌کند، جایش را با دروغ جدید پر می‌کنند. فردایش یک دروغ دیگر می‌گویند و فردای فردایش نیز همین‌طور. در اتاق عملیات روانی اینترنشنال و امثالهم دروغ گفتن کنتر که نمی‌اندازد هیچ، شارژ مالی هم می‌آورد. بالاخره وقتی کارفرمای صهیونیستی از تریبونی اظهارات بزرگ‌تر از دهنش را نشخوار می‌کند و تیرمشقی علیه ملتی به بزرگی ایران در می‌کند لابد پول خوبی هم به عوامل تریبون می‌دهد. آنقدری پول می‌دهد که سربازان عملیات روانی این بنگاه‌های خبری حاضر باشند همه چیزشان را به حراج بگذارند. وطن و شرف و آزادی و زندگی و بقیه نداشته‌هایشان را.

اگر رسانه بودند دل‌شان برای اعتبارشان می‌سوخت

در هفته‌ای که گذشت، رسانه‌های وابسته به رژیم صهیونیستی موجی از اخبار کذب و شایعات را در فضای رسانه‌ای منتشر کردند. بیشترین حجم این دروغ‌پردازی‌ها به فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران، سردار اسماعیل قاآنی اختصاص یافت. رسانه‌های وابسته به اسرائیل، به‌ویژه شبکه‌هایی مانند ایران اینترنشنال، انواع و اقسام شایعات را درباره سردار قاآنی منتشر کردند. در ابتدا مدعی شدند او در لبنان کشته شده است. سپس ادعا کردند وی مجروح شده و پس از آنکه این ادعاها تکذیب شد، خبر از بازجویی او دادند تا شاید بتوانند تردید و بی‌اعتمادی را در جبهه مقاومت ایجاد کنند. نکته عجیب‌تر آن بود که با وجود تأیید رسمی سلامت سردار قاآنی، این رسانه‌ها همچنان به پخش شایعات ادامه دادند. حتی زمانی که سردار قاآنی در مراسم تشییع شهید نیلفروشان حضور یافت، بنگاه شایعه‌پراکنی اینترنشنال این‌گونه به این موضوع مهم واکنش نشان داد: «سیمای جمهوری اسلامی همزمان با تشییع نیلفروشان تصویری از قاآنی را نشان داده است.» پس از آن هم دوباره سینه‌خیز حرکت خود را ادامه داد و بدون سند و ذکر منبعی مشخص ادعای بازجویی از سردار قاآنی را تکرار کرد. این رویکرد به‌هیچ‌وجه با استانداردهای رسانه‌ای مطابقت ندارد. زیرا رسانه‌ای که برای اعتبار و آبروی خود ارزش قائل باشد، برنامه بلندمدت خود را فدای عقده‌گشایی‌های لحظه‌ای نمی‌کند.

باورسنجی دروغ‌ها با هدف تنظیم دروغ‌های بعدی

زمانی که یک شبه‌رسانه دست به چنین اقداماتی می‌زند، نشان می‌دهد که نه برنامه‌ای بلندمدت دارد و نه از دست دادن مخاطبان برایش مهم است. هدف این رسانه‌ها صرفا ایجاد بحران‌های امنیتی و سیاسی در کوتاه‌مدت است. پس از انجام پروژه نیز فعالان عملیات روانی با تعویض برند برای پروژه دیگری فعال می‌شوند. درست مثل شبکه منوتو که همه اعتبارش را در سال ۱۴۰۱ قمار کرد و بعد از آن نیز برای احیای برند یک شوی نمایشی مبنی بر تعطیلی شبکه به راه انداخت. شبه‌رسانه‌ها متناسب با سطح باور مخاطبان خود، دروغ‌ها و شایعات خود را تنظیم می‌کنند. این رسانه‌ها پس از انتشار یک دروغ، به سرعت واکنش مخاطبان خود را ارزیابی کرده و برای تولید دروغ بعدی آماده می‌شوند. به‌عنوان نمونه، مجری برنامه ۶۰ ثانیه از ایران اینترنشنال، پس از پخش چندین شایعه در مورد سردار قاآنی، از مخاطبانش پرسید که «جاسوس بودن سردار قاآنی چقدر برای شما باورپذیر است؟» این پرسش به منظور آماده‌سازی ذهن مخاطبان برای پذیرش دروغ‌های بعدی مطرح شده و پاسخ مخاطبان ایرانی به آن، شدت و ضعف دروغ‌های بعدی را تنظیم می‌کند.

اسم رسانه‌هایشان را تریلی نمی‌کشد رسم‌شان را ابلیس

اولین بار کانال ۱۲ اسرائیل شایعه‌ای در مورد شهادت سردار اسماعیل قاآنی منتشر کرد و ادعا کرد او در لبنان کشته یا مجروح شده است. این شایعه به سرعت در رسانه‌های اسرائیلی و غربی گسترش یافت و نیویورک تایمز و رویترز نیز بدون بررسی صحت این ادعا، آن را بازنشر کردند. نیویورک تایمز ادعا کرد چند مقام ناشناس ایرانی خبر کشته شدن سردار قاآنی را تأیید کرده‌اند و رویترز نیز از ناپدید شدن او پس از حملات اسرائیل به جنوب بیروت خبر داد. این رسانه‌ها، به جای تکیه بر منابع معتبر، به پخش شایعات پرداختند. در این میان، ایران اینترنشنال نیز با تکیه بر این شایعات، به پخش اخبار جعلی ادامه داد. این شبکه مدعی شد خانواده سردار قاآنی از سرنوشت او بی‌اطلاعند. حتی پس از انتشار تکذیبیه‌های رسمی، این رسانه‌ها همچنان به پخش اخبار نادرست ادامه دادند و به ادعاهایی همچون بازجویی از سردار قاآنی پرداختند. این ادعاها خیلی زود زیر سوال رفتند. سردار قاآنی با ارسال پیامی به اجلاس بین‌المللی همبستگی با کودکان فلسطینی، از غیبت خود به دلیل حضور در جلسه‌ای مهم عذرخواهی کرد. همچنین سردار ابراهیم جباری اعلام کرد سردار قاآنی در سلامت کامل است و در آینده نزدیک از رهبر انقلاب نشان فتح دریافت خواهد کرد. پس از تکذیب شایعه شهادت، رسانه‌های ضدایرانی رویکرد دیگری اتخاذ کردند و این‌بار ادعای بازجویی سردار قاآنی را مطرح کردند. وب‌سایت «میدل ایست‌آی» گزارش داد سردار قاآنی سالم است اما تحت نظارت قرار گرفته است. اسکای نیوز عربی پا را فراتر گذاشت و مدعی شد او در جریان بازجویی دچار سکته قلبی شده است. ایران اینترنشنال نیز این ادعا را تکرار کرد و مدعی شد: «قاآنی در جریان بازجویی دچار حمله قلبی شده و او را به بیمارستان منتقل کرده‌اند. همچنین رئیس دفتر او مظنون به ارتباط با اسرائیل است.» این داستان‌سازی‌ها نشان از تلاش هماهنگ رسانه‌های ضدایرانی برای تخریب شخصیت فرمانده نیروی قدس سپاه دارد. باوجود تمام تکذیب‌ها، این رسانه‌ها همچنان به پمپاژ اطلاعات نادرست ادامه دادند تا شاید بتوانند از این فضا برای تحقق اهداف امنیتی و سیاسی خود استفاده کنند.

ابزارهای عملیات روانی و تاثیر آن بر مخاطبان

رسانه‌هایی که در عملیات روانی مشارکت دارند، به جای هدف قرار دادن مخاطبان عام، تمرکز خود را بر طیف خاص و محدود مخاطبانی گذاشته‌اند که به راحتی تحت تأثیر اخبار جعلی قرار می‌گیرند. این رسانه‌ها با تکرار اطلاعات نادرست و ایجاد حس فوریت و اضطراب در مخاطبان خود، آنها را به سمت پذیرش این دروغ‌ها سوق می‌دهند. مخاطبانی که به دلیل بی‌اعتمادی به منابع رسمی یا محدودیت دسترسی به منابع معتبر مستقل، به راحتی تحت تأثیر این اخبار قرار می‌گیرند و حتی پس از تکذیب‌های رسمی، همچنان در برابر حقایق مقاومند. در حقیقت، این مخاطبان اغلب به دنبال اطلاعاتی‌اند که با باورها و پیش‌داوری‌های شخصی‌شان هماهنگ باشد و به دنبال تأیید این باورها در اخبار منتشره از سوی رسانه‌های معاند می‌گردند. به همین دلیل، حقیقت و واقعیت در این شرایط اهمیتی ندارد و این افراد به بخشی از چرخه‌ای مضر تبدیل شده و ابزار دست عملیات روانی رژیم‌هایی همچون اسرائیل می‌شوند. این روند باعث می‌شود تا مخاطبان نه تنها خود قربانی این اخبار جعلی شوند، بلکه به مروجین این اخبار نادرست در فضای مجازی و اجتماعی نیز تبدیل شوند.

اهداف عملیات روانی اسرائیل

رژیم صهیونیستی با شکست‌های نظامی خود، اکنون به عملیات روانی برای تضعیف جبهه مقاومت روی آورده است. هدف از این عملیات روانی، ایجاد شکاف در صفوف مقاومت و کاهش انگیزه برای مقابله با اسرائیل است. رسانه‌های وابسته به اسرائیل تلاش می‌کنند تا با انتشار اخبار جعلی و شایعات بی‌اساس، اطمینان نیروهای مقاومت به حامیان خود را خدشه‌دار کنند. مشابه این رویکرد را پس از شهادت سید حسن نصرالله نیز شاهد بودیم، جایی که برخی از رسانه‌ها سعی کردند ایران را به انفعال متهم کنند و تردیدهایی در مورد حمایت ایران از جبهه مقاومت به وجود آورند. اتهام‌زنی‌ها در مورد خرید پیجرهای آلوده با واسطه ایران توسط حزب‌الله و لو دادن محل جلسه سید حسن نصرالله به رژیم صهیونیستی، دیگر اتهام‌های جعلی است که اینترنشنال و دیگر ابزارهای عملیات روانی اسرائیل با هدف ایجاد شکاف در جبهه مقاومت در فضای رسانه‌ای بازتاب می‌دهند. این رسانه‌ها همچنین با تمرکز بر فضاهای اجتماعی ایران و انتشار اخبار جعلی درباره وضعیت داخلی کشور، سعی دارند فضای اجتماعی را ملتهب کنند. هدف نهایی آنها ایجاد بحران‌های امنیتی و سیاسی داخلی در ایران است تا از این طریق بتوانند اهداف خود را در منطقه پیش ببرند. درست مطابق برنامه‌ای که نتانیاهو برای شوراندن مردم ایران علیه منافع ملی‌شان چیده است. به همین دلیل، رژیم صهیونیستی به دنبال حمایت از رسانه‌هایی مانند ایران اینترنشنال است تا با تقویت آنها، تأثیر بیشتری در فضای ایران گذاشته و در زمان‌های بحرانی، از این ابزارها برای پیشبرد اهداف خود استفاده کند.

سینه‌خیز تا تل‌آویو

در حالی که ماجرای ۱۷ اکتبر ناتوانی نهادهای امنیتی رژیم صهیونیستی را به گوش تمام مردم دنیا رساند اکنون این رژیم برای بازیابی وجهه تخریب‌شده خود و احیای تصویر دروغینی که از توان اطلاعاتی خود ساخته بود دست به دامن آمریکا و رسانه‌های دست‌نشانده خود شده است. این رژیم پس از آنکه با کمک آمریکا موفق به ردیابی شخصیت‌های مقاومت شده و مناطق شناسایی‌شده را با بمب‌های چندتنی هدف قرار داده اکنون تلاش دارد از نفوذ اطلاعاتی خود حماسه‌سرایی کند. اینترنشنال نیز در همین راستا به کار گرفته شده و با این تیترهای مشابه به مقامات ایرانی اتهام می‌زند تا بتواند توان اطلاعاتی اسرائیل را احیا کرده و فاجعه عملکردی آنها در ۱۷ اکتبر را ماستمالی کند. این نوع پوشش خبری اهداف انتشار اخبار جعلی توسط رسانه‌های وابسته به رژیم صهیونیستی را کاملا علنی می‌کند؛ «تلاش برای احیای افسانه شکست‌ناپذیری.» به همین دلیل نیز ویدئو حضور سردار قاآنی در مراسم شهید نیلفروشان در کنار رؤسای قوا برای این رسانه سنگین تمام شده و کارشناس این برنامه با عصبانیت دروغ بازجویی را تداوم می‌دهد و بعد هم بدون هیچ مدرکی این‌گونه استدلال می‌کند که «جمهوری اسلامی در میانه یک کارزار بزرگ نظامی با اسرائیل، نمی‌تواند به راحتی بالاترین فرمانده نیروی قدس را از صحنه حذف کند یا او را متهم کند.» این رسانه که برای ادعای جدید خود مدرکی ارائه نداده پیش از این هم با تمسخر از شهادت سردار قاآنی در کنار شیخ صفی‌الدین سخن می‌گفت. ایران اینترنشنال بدون اینکه از رو شدن دروغ اولش سرخورده باشد با اعتماد دروغ دیگری را فریاد می‌زند، رد و اثباتش را هم می‌گذارد پای جمهوری اسلامی.

پیکر سردار شهید عباس نیلفروشان پس از تشییع در نجف و کربلا به تهران رسید

سردار سرپناه

علی ملکی
خبرنگار گروه نقد روز

سردار نیلفروشان در یکی از آخرین سخنرانی‌هایش گفت «ما پیشمرگان این ملتیم» و زیر حرفش هم نزد. او در این سخنرانی گفت سال‌هاست در راه رسیدن به هم‌سنگرهایش لحظه شماری می‌کند. لحظه‌شماری‌هایش شامگاه ششم مهرماه به پایان رسید و همراه با سید و مجاهدان مقاومت به لشکر پیروز هم‌سنگرانش پیوست. روز گذشته هم مردم و مسئولان کشور برای تشییع پیکر شهید سردار، عباس نیلفروشان که پیش‌تر در کربلا و نجف تشییع شده بود، به میدان امام حسین(ع) در تهران آمدند. «حاج‌عباس هم رفیق من، هم (در راهبری و فرماندهی حزب‌الله) شریک من، و هم تکیه‌گاه من است» این جملات را علی نیلفروشان، فرزند سردار شهید عباس نیلفروشان به نقل از سید مقاومت می‌گوید. او می‌گوید دو هفته در کنار پدر بوده و طی این مدت شبی نبوده که سید حسن نصرالله به سردار زنگ نزند و مشورت نگیرد. ویژگی‌های منحصربه‌فرد و جذاب این فرمانده نظامی او را به شخصیتی متمایز تبدیل کرد که نه تنها در امور نظامی که در ابعاد گوناگون سیاسی، اجتماعی و اقتصادی مورد توجه قرار گیرد.

ضربه نیلفروشان به یگان ۸۲۰۰ اسرائیل

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های سردار نیلفروشان، چندبعدی بودن توانایی‌هایشان در عرصه‌های مختلف بود. آنچنان که نزدیکانش تعریف می‌کنند؛ شهید نیلفروشان در حوزه‌های کاری بسیار مدبر و اندیشمند بود. رهبر انقلاب نیز در نامه‌ای پس از شهادت، وی را «سردار رشید و اندیشمند» خطاب کردند. شهید نیلفروشان همچنین اهل علم و نظریه در حوزه‌های مختلف علمی و مدیریتی بودند. در حوزه کاری هم فردی عملیاتی و عالم بودند و شخصیت اجتماعی برجسته‌ای داشتند.

علاوه‌بر اینها فرزندان این سردار مقاومت نقش او در نظام خانواده را هم مورد توجه قرار داده و وی را نمونه یک پدر و همسر واقعی می‌دانند. مصداق چند بعدی بودن او مسئولیت‌ها و موفقیت‌هایی است که وی در طول این مسئولیت‌ها داشت. او فرماندهی دسته، فرماندهی گروهان، فرماندهی گردان، فرماندهی محور و معاونت عملیات لشکر ۸ نجف در زمان فرماندهی احمد کاظمی، جانشینی فرمانده کل سپاه در قرارگاه امام حسین(ع)، معاونت اجرایی سپاه و جانشینی معاونت عملیات سپاه در زمان معاونت سرتیپ محمدرضا زاهدی را در کارنامه نظامی خود داشت. معاونت عملیات نیروی زمینی سپاه، معاونت عملیات ستاد کل سپاه، ریاست دانشکده و پژوهشکده علوم دفاعی (دافوس سپاه)، آموزش و تربیت نیروی انسانی، از جمله مسئولیت‌های مختلف وی در لباس سبز خدمت و پاسداری بوده است. آخرین اقدام او هم مربوط به عملیات اربعین حزب‌الله لبنان است. سردار نیلفروشان به‌عنوان مستشار در جریان طراحی و اجرای آن نقش داشت و این عملیات ضربه سنگینی بر پیکره دستگاه اطلاعاتی ارتش اسرائیل و یگان ۸۲۰۰ آن وارد کرد که آثار آن تحت سانسور شدید رژیم صهیونیستی قرار گرفت.

شناسایی تهدید و ارائه تحلیل به سبک سردار

تحلیل‌ها و راهبردهای شهید نیلفروشان از مسائل کشور و منطقه، مورد توجه کارشناسان بوده و او را به‌عنوان یک فرمانده کامل می‌شناسند. به‌عنوان مثال شهید نیلفروشان مدت‌ها قبل‌تر از آنکه در دولت شهید رئیسی، بحث کریدور شمال- جنوب مطرح شود، در مصاحبه‌ای گفته بود: «منطقه غرب آسیا در حال گذار از وضعیت ژئوپلیتیکی است.» منظور وی این بود که کشورهای منطقه به دنبال رسیدن به ثبات اقتصادی‌اند و مسائل اقتصادی اولویت بیشتری نسبت به مسائل سیاسی پیدا کرده است. دقیقا چند ماه بعد بحث کریدورها و از جمله کریدورهای ترانزیتی و حتی پروژه‌های راهسازی جدی شد. راهبرد دیگرش اما در خصوص دفع آفات رژیم صهیونیستی تحت عنوان حفاظت اطلاعات در مقابل راهبرد «جنگ در منطقه خاکستری» رژیم صهیونیستی بود. زمانی که همه تحلیل می‌کردند اسرائیل به دنبال این است که جمهوری اسلامی را به یک جنگ مستقیم بکشاند، سردار نیلفروشان در یکی از مصاحبه‌ها این موضوع را بررسی و اینچنین تشریح کرد: «راهبرد اسرائیل جنگ در منطقه خاکستری و جنگ در بین جنگ‌هاست. هدفش این است از شرایطی که در آن قرار دارد خارج شود. راه مقابله با این تاکتیک و راهبرد اسرائیل، حفاظت اطلاعات است. هر کس حفاظت اطلاعات را به‌درستی رعایت کند در این جنگ دست برتر را خواهد داشت.»

تعریف سردار نیلفروشان از وضعیت کنونی منطقه دقیقا همان چیزی است که امروز می‌بینیم و اسرائیل روز به روز بیشتر به دنبال ترور فرماندهان مقاومت است و همین موضوع نشان می‌دهد تحلیل شهید نیلفروشان از وضعیت منطقه کاملاً درست بوده و شناسایی تهدیدات علیه مقاومت اسلامی را به شکل دقیقی انجام داده است.

اگر قرار باشد کسی مطرح شود، او بالاسری من است

شهید نیلفروشان گمنام بود اما خوشنام. او در طول سال‌های مسئولیت خود به میزانی متواضع بود که اگر کسی او را نمی‌شناخت هیچ‌وقت نمی‌توانست تشخیص دهد که یک سردار و سرلشکر نظامی است.

نزدیکانش می‌گویند همیشه وقتی می‌خواست جایی تشریف ببرد، می‌گفت باید با «بالاسری» هماهنگ شود. می‌گفت اگر قرار باشد با کسی صحبت شود و کسی مطرح شود، او مافوق من است. همچنین او اصلا اهل دیده‌شدن نبود و همیشه می‌گفت که اگر قرار باشد کسی دیده شود، فرمانده‌های ما هستند. سردار حسین اشتری، مشاور رئیس ستادکل نیروهای مسلح درباره تواضع این شهید می‌گوید: «عباراتی که وی به کار می‌برد از تواضعش بود. یعنی واقعا او در عین حال که یک فرمانده رشید و شجاع و استراتژیست بود، اخلاص و توکلش به خداوند و مردمداری‌اش هم خاص بود. اخلاص خیلی به او کمک کرد و واقعا لایق این شهادت بود و مزد خودش را گرفت.»

همیشه می‌گفت: «برای هر سخنرانی باید مطالعه کنم»

همانطور که اشاره شد سردار نیلفروشان شخصیتی چند بعدی داشت و توانایی‌اش در زمینه‌های مختلف زبانزد بود. یکی از این توانایی‌ها که کمتر در میان فرماندهان نظامی دیده می‌شود، شناخت رسانه بود. او می‌دانست چطور باید رفتاری عقلانی با رسانه‌ها داشته باشد که نتیجه مناسبی دهد. این توانایی مربوط به شخصیت راهبردی‌شان بود که به خوبی جایگاه رسانه و حرفی را که می‌خواست بزند، می‌دانست. یکی از خبرنگاران که سابقه مصاحبه با او را دارد می‌گوید زمانی که برای مصاحبه می‌رفتیم کاملا مشخص بود که وی از قبل روی محورهای مصاحبه و مسائل جاری مطالعه کرده بودند. پاسخ‌هایشان دقیق بود و تحلیل‌هایی که ارائه می‌دادند کاملاً مبتنی بر واقعیت‌های میدانی بود. او قبل از هر سخنرانی همیشه مطالعه می‌کرد و معمولا زمان سخنرانی‌شان خیلی طول نمی‌کشید. این خبرنگار از سردار شهید نقل می‌کند که وی همیشه می‌گفت «برای هر سخنرانی باید مطالعه کنم» و چون وقت کافی برای مطالعه نداشت اغلب سخنرانی را نمی‌پذیرفت.

سردار «سرپناه» بود

مشارکت در امور خیریه هم یکی دیگر از ویژگی‌های پررنگی است که نزدیکان سردار نیلفروشان به آن اشاره می‌کنند. یکی از کارهای خیری که او به صورت جدی پیگیر آن شده و منابع مالی آن را از یک خیر تهیه کرده و به سرانجام رساند، ساخت خانه‌هایی برای افراد بی‌بضاعت در یک منطقه کوهستانی بود. همراهش در تکمیل این پروژه می‌گوید او به صورت مستمر و جدی پیگیر ساخت این خانه‌ها -برای مردمی که تا پیش از این سرپناه مناسبی نداشتند- بود و با توجه به علم و تدبیر و شخصیت راهبردی‌اش، شخصاً مراحل ساخت خانه‌ها را پیگیر بود و کار را خیلی اصولی پیش برد. در نهایت هشت سرپناه و خانه مناسب برای خانواده‌های آن منطقه ساخته شد و در این میان شخص شهید نیلفروشان با اینکه معاون عملیات سپاه بود، چندین بار به صورت حضوری از مراحل ساخت پروژه بازدید کرد.

می‌دانست که در بیروت شهید می‌شود

ویدئویی که از صحبت‌هایش در یکی از مصاحبه‌ها منتشر شده نشان می‌دهد این سردار مقاومت از کودکی آرزوی نابودی رژیم صهیونیستی را داشته و می‌خواسته در این مسیر شهید شود و عاشق مبارزه با رژیم صهیونیستی بود. موضوعی که سردار اشتری در خاطره آخرین ملاقاتش با شهید نیلفروشان از تحقق این خواسته می‌گوید: «در مدتی که سردار نیلفروشان به لبنان تشریف برده بود من چندبار او را زیارت کردم. خیلی علاقه‌مند بودم که هر وقت می‌رسد او را ببینم. اما نمی‌شد خیلی راحت تماس بگیریم. ولی قرار شد که وقتی آمد یک پیامی بدهد. یا من می‌رفتم خدمتش یا او لطف می‌کرد و می‌آمد. من سری قبل که وی را دیدم تقریبا فکر می‌کنم کمتر از دو ماه باشد و همان تصویری که شما می‌گویید، صبحانه‌ای خدمتش بودم و پیش ما تشریف آورد، شاید دو سه ساعتی بود. او مطرح کرد سردار سلامی به او گفته است بالاخره شما آنجا (لبنان) هستید ولی باید بعدا برگردید! من اینگونه برداشت کردم که می‌گوید ما به شما در سپاه نیاز داریم. سردار نیلفروشان گفت که من به سردار سلامی گفتم سردار! مأموریت من در بیروت، پایانش گلستان شهدای اصفهان است. یعنی من با شهادت برمی‌گردم! او گفت من می‌روم به بوستان شهدا. صحبتش این بود که پایان کار من همین جاست و من تا شهادت می‌ایستم. خیلی عاشق شهادت بود و این حرف را زد.»